

ضمیمه تحقیق طرح هنری پرشت

امیرفیض- حقوقدان

درضمن تحقیق به مقاله ای در آرشیو سنگر بر خوردم که بواسطه اهمیت و رابطه آن با طرح هنری پرشت درسالهای دور بایگانی شده است. تصور میکنم استفاده از آن برای کسانی که در زمینه طرح شوم مزبور تحقیق میکنند جالب و قابل استفاده باشد.

مقاله مزبور تحت عنوان بازنگری رویدادهای سال های اخیر ایران وزیر تیترا: «چگونه بیماری مرگبار شاه آشکار شد» ترجمه کتاب آقای برژنسکی مشاور امنیتی کارتر از سیاستمداران صاحب نام و استادان برجسته دانشگاه های آمریکا و آگاه از مسائل ایران تنظیم شده است.



«شاه بعد از خروج از ایران به مصر و بعد به مراکش رفت قصدش این بود که از آنجا راهی آمریکا شود که با مخالفت دولت آمریکا شاه به باهاماس رفت؛ در این هنگام شاه ضمن پیامی از کارتر سوال کرد که آیا شهبانو میتواند برای درمان پزشکی به آمریکا سفر کنند؟ رئیس جمهور با آن موافقت کرد، گرچه شهبانو در آن هنگام خواستار سفر به آمریکا نشد؛ اما این موضوع آشکار گردید که کارتر بین سفر به آمریکا بقصد درمان با مقاصد دیگر تفاوت قائل است. این تفاوت ۵ ماه بعد اهمیت شدیدی پیدا کرد در آن هنگام محل اقامت شاه به مکزیک تغییر یافت ولی در تابستان ۱۹۷۹ موضوع ورود احتمالی شاه به آمریکا بیشتر بعنوان یک مسئله سیاسی مطرح و مورد بحث قرار گرفت.

آشفتگی حکومت در ایران باضافه گزارشهای مداوم از اعدام ها و نقض آشکار حقوق بشر بطور فزاینده حکومت شاه را درمقایسه با افراط گرایی های خمینی به نسبت ملایم جلوه میداد، علاوه بر آن بحث درباره اینکه ایران را چه کسی از دست داد، حکایت از این داشت که این موضوع بحث اساسی در انتخابات ریاست جمهوری است که در شرف انجام بود.

در پایان ماه جولای ماندل معاون رئیس جمهوری موضع خود را بسود ورود شاه به آمریکا تغییر داد و ضمن یادداشتی که در ۲۳ جولای برای پرزیدنت کارتر فرستاد آنها مطرح کرد. دو روز بعد سائروس و نس وزیر خارجه کارتر یک پیام شخصی برای بروس لینکن (۱) فرستاد با اشاره به اینکه شاه میتواند دست کم تا اکتبر در مکزیک بماند و از لینکن خواست به ارزیابی واکنش دولت ایران در قبال ورود شاه به

آمریکا بپردازد به شرط اینکه همزمان با انکار رسمی شاه در مورد ادعای او نسبت به تاج و تخت و اعلام**موافقت علنی وی با خودداری از انجام فعالیت های سیاسی در مدت اقامت در آمریکا باشد (۲)»**

(۱) بروس لینکن همان کاردار سفارت است که در طرح هنری پرشت، طرف مکاتبه آقای هنری پرشت رئیس میز ایران در وزارت خارجه آمریکا بوده است، و طرح هنری پرشت که با **عنوان محرمانه فقط چشم ها** در دوم اوت سال ۱۹۷۹ برابر ۱۱ مرداد سال ۵۸ به آقای کاردار سفارت ابلاغ شده است.

(۲) پیام ونس وزیر خارجه آمریکا به بروس لینکن نشانه آن است که طرح هنری پرشت دقیقاً مورد عمل وزارت خارجه آمریکا بوده است که ونس رعایت آنرا به لینکن توجه داده است.

از آنجا که بقیه مقاله که با بیماری شاهنشاه ارتباط تنگاتنگ دارد در دانه هدف تحقیق درباره طرح هنری پرشت قرار ندارد از ورود به آن خودداری میگردد.



جاوید ایران در پی پرسش ایرانیاری در پی یافتن رویه طرح هنری پرشت به گفتگوی ۱۵۹ برگی آقای هنری پرشت با Charles Stuart Kennedy در راستای طرح های آموزشی وزارت امور خارجه آمریکا برمیخورد. این گفتگو در مارچ سال ۲۰۰۰ تنظیم شده و از جمله اسناد کتابخانه کنگره آمریکا میباشد.

در این گفتگو آقای پرشت خود را معرفی میکند و معلوم است که پدر بزرگ او و پدرش و مادر و مادر بزرگش از ریشه های گرجی و انگلیسی ها هستند و ریشه ای هم در آلمان دارد که در محیطی بسیار نژادپرستانه زاده و بزرگ شده اند. هنری پرشت به گفتگو کننده میگوید:

«من در ۱۵ جون ۱۹۳۲ در ساونا جورجیا از یک پدر کارمند یک کارخانه کود شیمیایی و از مادرم که آموزگار و سپس کارمند بانک بود دنیا آمده ام. هیچکس در فامیل من بجز مادرم و آنهم برای دو سال نا تمام به کالج نرفته است. مادر بزرگ من یک گرجی بود که در سال ۱۷۳۳ به ساوانا آمد و پدر بزرگ من یک انگلیسی از دیار ویل انگلستان بود که در کانزاس به کشاورزی پرداخت و بالاخره در یک مغازه چاپخانه مشغول بکار شد».

هنری پرشت اضافه میکند:

«من بخوبی آگاهم که بیرون مرز شهری که ما زندگی میکردیم دنیای دیگری بود، ما در همسایگی بزرگ شدیم که چند قدمی با خط مرزی سیاهان و سفید پوست ها فاصله نداشت که در باختر (غرب) ساوانا قرار میگرفت. مردمی که آنجا زندگی میکردند به آنسوی خطی ها «نگرو» (سیاه) خطاب میکردند. ما شناختی از سیاهان آنسوی خط نداشتیم و تماسی هم نداشتیم. ما در محیطی پر از انزوا زندگی میکردیم. پدر و مادر من هرگز نمیخواستند از آن خط بگذرند و همان اخلاق نژاد پرستانه را داشتند و همه همینطور بودند

امروز این رفتار را نژاد پرستانه می‌شناسند؛ زیرا شاید بفکر من رفتار امروز من زیر تاثیر آن روز ها و مجله تایم آن زمان و رادیکالی کردن موضوع و آنچه در دبیرستان گذشته خلقیات مرا سامان داده است».

گفتگو مفصل است و بیش از ۱۵۰ برگ را تشکیل میدهد و در میان گفتگو به ماموریت های خودش و اینکه به ایران رفت و آمد کرده و به مسایل مربوط به فلسطین و اسراییل و مسایل خاورمیانه و دیگر مسایلی که مربوط به آموزش کارمندان وزارت خارجه و دوران ماموریت هایشان میشود اشاره داردولی به نقش خودش در وزارت امور خارجه در سال ۱۹۷۹ (۲۵۱۷-۱۳۵۷) اشاره ای ندارد.

شاید به این دلیل که طرحی که او ارائه داده است محرمانه و تنها برای «چشم» ها بوده است و نمیخواهد کسی از آن طرح آگاه بشود.

این گفتگوی ۱۵۰ برگی به حضور استاد امیرفیض ارائه شد و نظر ایشان هم پس از مطالعه بر همین بود.

دلیل اشاره بالا به محیط نژاد پرستانه زندگی و آموزش های هنری پرشت میتواند میزان تنفر و ضدیت او با ایران و تاریخ ایران را نشان بدهد. از آنجا که یک سوی فامیل او به انگلیسی ها مربوط میشود به احتمال زیاد بخشی از تنفر او از نظام پادشاهی و به ویژه مخالفت با تداوم پادشاهی در ایران از آن پیشینه برآمده باشد.

ح-ک